



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

میلاذ پر برکت حضرت سیدالشهداء علیه السلام و حضرت عباس علیه السلام و امام سجاد علیه السلام را تبریک عرض می کنیم.

عرض کردیم معروف ها یعنی ارزش های اسلامی و منکرات یعنی ضد ارزش ها بسیار زیاد هستند و گفتیم که امام رضوان الله علیه در دفتر ۲۱ از دفاتر تبیان لیستی از معروف ها و منکرات ذکر کرده اند.

شرائطی برای امر به معروف و نهی از منکر ذکر شد و بحثمان در این بود که آیا شرط وجوب هستند یا شرط واجب، گفتیم شرط وجوب آن است که تا خودش محقق نشود وجوب و تکلیفی نیست مثل استطاعت برای حج و یا تحقق ملکیت نصاب برای وجوب زکات اما در شرط واجب خود وجوب محقق شده منتهی واجب شرایطی دارد مثلاً لسان دلیل می گوید "أقیم الصلاة" و دیگر قیدی ندارد یعنی بر همه واجب است نماز بخوانند اما بعد در دلیل دیگر گفته شده "لا صلاة إلا بطهور" و یا گفته شده "لا صلاة إلا بفاتحة الكتاب" یعنی أدله دیگر برای واجب شروطی ذکر کرده اند که در اینجا خود نماز واجب است و تحصیل آن شروط نیز واجب می باشد بنابراین فرق بین شرط وجوب و شرط واجب مشخص شد و اما شرط واجب لازم التحصیل است و اگر وجود دارد حفظ و نگهداریم واجب می باشد، نکته دیگر که باید به آن توجه داشته باشیم اینکه اگر لسان دلیل اطلاق نداشته باشد و ما شک کنیم در اینکه شرط وجوب است یا شرط واجب اصل برائت اقتضاء می کند که شرط وجوب باشد.

خب و اما در مانحن فیه اولاً أدله امر به معروف اطلاق دارند و این اطلاق مقتضی وجوب می باشد و بعد از وجوب باید به سراغ شرایط آن برویم و معروف ها و منکرات را بشناسیم و برای امر به معروف و نهی از منکر

قیام کنیم، ثانیاً تعلیل ها و فلسفه هائی که برای این فریضه ذکر شده اقتضاء می کنند ما یاد بگیریم و بدانیم تا علت آن غرض بوجود بیاید بنابراین از اطلاق أدله و تعلیلاتی که ذکر شده برای ما روشن می شود که اینها شرائط واجب و لازم التحصیل هستند.

گاهی سکوت افراد باعث می شود کم کم معروف منکر و منکر معروف تلقی شود مثلاً دشمنان تبلیغ می کنند دین از سایست جداست خب اگر علماء سکوت کنند این کم کم جا می افتد و مردم فکر می کنند دین یعنی نماز و روزه و در سیاست دخالت کردن جزء دین نیست ما باید بنویسیم و بگوئیم و فریاد بزنیم تا اینطور نشود.

نکته بعدی که بسیار مهم است این است که ائمه علیهم السلام یاد می دادند که مردم چطور امر به معروف و نهی از منکر کنند زیرا بنی امیه و بنی عباس سعی می کردند فرق مختلف بوجود بیاورند و اینها را سرگرم چالش و تنش با هم کنند تا اهل بیت علیهم السلام را کنار بزنند و بعد خودشان بتوانند خوب و راحت حکومت کنند.

بنده در کتاب خمس دوازده اصل از اصول کارهای اهل بیت علیهم السلام در مقابل بنی امیه و بنی عباس را نوشته ام، یکی از اصولی که نام بردیم تربیت کردن افرادی که بتوانند مناظره کنند می باشد امروزه شبهات فراوانی مطرح می شود لذا تربیت چنین افرادی برای مناظره و پاسخگویی به شبهات لازم می باشد.

دو روز قبل در بحثمان نام مفضل بن عمر را بردیم که درباره او بحث بسیار است، دشمنان اهل بیت علیهم السلام گاهی بر علیه شیعیان و اصحاب ائمه علیهم السلام مطالبی را جعل می کردند، روزی زراره پسرش را به خدمت امام صادق علیه السلام فرستاد و آمد و گفت پدرم سلام رساندند و گفتند بر علیه من کلماتی و بدگویی هائی حتی از شما نقل می شود، حضرت به او فرمودند به پدرت بگو مثل تو مثل آن کشتی است که حضرت خزر در وسط دریا آن را سوراخ کرد، زراره تو کشتی فقه ما هستی و اگر من اینطور نگویم دشمنان تو را نابود خواهند کرد و مفضل نیز

جزء همین ها بوده و خیلی در نزد ائمه علیهم السلام تقرب داشته مفضل در کوفه بوده و گاهی بین مردم در مورد ارث و یا امور مالی دعوا واقع می شده و او می رفته پول می داده و دعوای آنها را تمام می کرده و بعد می گفته این پول برای من نیست بلکه امام صادق علیه السلام این پول را به من داده تا اگر شیعیان اختلافات مالی پیدا کردند این پول را بدهم تا اختلافشان رفع شود، آیت الله العظمی آقای خوئی در معجم رجال حدیث می فرمایند کفی در جلالت مفضل توحید مفضل که کتاب بسیار عجیبی می باشد و امروز بر ما لازم است تا اینها را یاد بگیریم و بنده نیز در کتاب خمس حدود چهل صفحه در مورد توحید مفضل بن عمر جعفری مطلب نوشته ام.

مفضل روزی خدمت امام صادق علیه السلام می رسد و می گوید یابن رسول الله من به ابن ابی العوجاء (از زنداقه بود) برخورد کردم که در بین مردم شبهاتی را مطرح می کرد حضرت به او فرمودند شما فردا به منزل من بیایید و فردا مفضل خدمت حضرت رسیدند و ایشان مطالب فراوانی را که الان به توحید مفضل مشهور شده به او گفتند که ما تیرت آنها را می خوانیم؛ اول درباره خداشناسی و برهان تألیف و ترکیب، یعنی چینش و ترکیب این موجودات حاکی از این است که یک خالق حکیمی آن را با اراده خودش بوجود آورده، دوم برهان هدف، یعنی هر موجودی برای یک هدفی ساخته شده و آثار هدف و حکمت در همه موجودات هست و همین دلیل بر این است که سازنده آن موجود دارای شعور و علم و قدرت و حکمت بوده، و همین طور حضرت مطالب را برای مفضل بیان کردند تا به انسان رسیدند، درباره انسان نیز مطالب فراوانی ذکر شده که یکی را به عنوان نمونه عرض می کنیم، آیت الله طباطبائی در تفسیر المیزان درباره بدن انسان دارند که هر عضوی در جای خودش قرار گرفته ایشان می فرماید اگر کسی خانه ای درست کند توالی را جایی قرار می دهد که از اطاق ها جدا باشد و خداوند نیز مخرج غائط را در جایی قرار داده که دیگر از آن دور تر تصور نمی شود زیرا انسان می تواند

اعضاء دیگر را حرکت بدهد و نزدیک بیاورد ولی مخرج غائط جایی است که کلاً از چشم دور است و هیچوقت نزدیک نمی آید، خلاصه مطالب فراوانی درباره انسان ذکر شده، چهارم در خلقت اصناف حیوان عجائب و شگفتیهای فراوانی وجود دارد، پنجم عجائب خلقت شجر و اصناف نبات، ششم حکمت خلقت در معادن، هفتم تقلیب لیل و نهار، هشتم خلقت نجوم و کواکب و اقمار، نهم شروق و غروب شمس، دهم فصول چهارگانه سال، یازدهم در قمر و جمیل نظام قمر، دوازدهم حکمت در نجوم اختلاف مسیر و اجتماع و افتراقشان، سیزدهم درباره ثریا، چهاردهم نجوم از جهت حرکتشان و اینکه اصطکاک در بینشان نیست، پانزدهم بدایع خلقت نجوم، شانزدهم عجائب شعرهای یمانی، اینها تیری از درس های توحید امام صادق علیه السلام به مفضل بود که به عرضتان رسید و اما در آخر فرمایشات حضرت مفضل سوالی از ایشان پرسید و حضرت جوابی دادند که ما این جواب را به تمام کسانی که منکر وجود خدا هستند می گوئیم، مفضل گفت یابن رسول الله تمام اینهایی که شما فرمودید درست است ولی آنها می گویند طبیعت اینها را درست کرده، حضرت به مفضل فرمودند ما گفتیم آثار شعور و قدرت و حکمت و علم در موجودات مبین و روشن است و تماماً از ناحیه خداست ولی آنها می گویند از طبیعت است حالا تو از آنها سوال کن که آیا آفریدگار این موجودات شعور و قدرت و حکمت و علم دارد یا ندارد؟ اگر بگوئید ندارد که منکر بدیهیات شده اید اما اگر بگوئید دارد نزاع لفظی است یعنی ما می گوئیم آفریننده اینها خدایی است که دارای شعور و قدرت و حکمت و علم است ولی شما می گوئید طبیعت است، این مختصری فهرست وار از توحید مفضل بود که به عرضتان رسید.

بقیه بحث بماند برای جلسه بعد إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین